

مفهوم آزادی از دیدگاه قرآن

منصور میراحمدی*

مقاله حاضر براساس رهیافت درون دینی تلاش می‌کند به این دو پرسش پاسخ دهد: آیا می‌توان به طرح مفهوم آزادی در قرآن پرداخت؟ چگونه می‌توان با بهره‌گیری از یک مدل نظری خاص، به تحلیل مفهوم آزادی از دیدگاه قرآن پرداخت؟

بررسی آیات قرآن نشان می‌دهد که از دیدگاه قرآن، انسان با برخورداری از ویژگی‌هایی همچون جانشینی خداوند، فطرت الهی، شخصیت مستقل و آزاد، اختیار و اراده، عقل به عنوان فاعل آزادی (مؤلفه اول)، انسان‌های دیگر، امیال و هواهای نفسانی و طبیعت به عنوان مهم‌ترین موانع آزادی (مؤلفه دوم) و توحید و عدالت، شناخت و تکامل انسان به عنوان بهترین اهداف آزادی (مؤلفه سوم) دانسته شده‌اند. در نتیجه می‌توان گفت از دیدگاه قرآن، انسان برای رسیدن به رشد و تکامل باید از دخالت و سلطه انسان‌های دیگر، امیال و هواهای نفسانی و طبیعت آزاد و رها باشد.

مقدمه

آزادی از واژه‌ها و مقوله‌هایی است که توصیف‌ها و تجویزهای گوناگونی درباره آن صورت گرفته است. مکاتب فکری و مذاهب آسمانی درباره آن دیدگاه‌ها و آرای خود را بیان کرده‌اند. از آن‌جا که این آرا و اندیشه‌ها بر اساس مبانی نظری خاصی ارائه شده شاهد اختلاف نظرهای زیادی درباره آزادی هستیم.

اسلام نیز درباره آزادی دیدگاه‌های ویژه‌ای ارائه کرده است. بررسی این دیدگاه‌ها با رویکردهای متعددی امکان‌پذیر است که مراجعه به متون اصلی اسلامی و آرا و اندیشه‌های متفکران مسلمان از مهم‌ترین این رویکردها محسوب می‌شوند. بدیهی است رویکرد اول، هر چند مشکل‌تر است، از اهمیت بیشتری برخوردار است. بر این اساس، در این مقاله، برآنیم تا با مراجعه به قرآن کریم به عنوان معتبرترین و موثق‌ترین منبع و متن دین اسلام، دیدگاه اسلام را درباره آزادی بررسی کنیم.

نظام جمهوری اسلامی در ایران ضمن آن‌که یکی از شعارها و آرمان‌های اصیل خود را «آزادی» معرفی کرد، زمینه طرح دیدگاه‌های مختلفی را درباره آزادی و دیدگاه‌های اسلام در این باره را فراهم نمود. از آغاز شکل‌گیری نظام اسلامی تا کنون، به دلیل اوضاع خاص سیاسی-اجتماعی و نیز ماهیت خاص این نظام، قرائت‌های مختلفی از آزادی ارائه شده است. در یک تقسیم‌بندی کلی می‌توان این قرائت‌ها را به قرائت‌های درون دینی و برون دینی تقسیم کرد. در این مقاله، از رهیافت درون دینی برای تبیین مفهوم آزادی استفاده می‌شود. بی‌تردید با مراجعه به قرآن می‌توان به داوری صحیحی دست یافت، ضمن آن‌که صحت و سقم دیدگاه‌های دیگر را نیز بررسی کرد.

مقاله حاضر در پی پاسخ‌گویی به این پرسش‌های اصلی است که آیا می‌توان به طرح مفهوم آزادی در قرآن پرداخت؟ چگونه می‌توان با بهره‌گیری از یک مدل نظری خاص، به تحلیل مفهوم آزادی از دیدگاه قرآن پرداخت؟

براین اساس، این مقاله در صدد تبیین اقسام و مصادیق آزادی در قرآن نبوده، بلکه صرفاً به تبیین مفهوم آزادی می‌پردازد از دیدگاه مقاله حاضر، می‌توان با مطالعه روشمند و اتخاذ الگوی نظری مناسب، به بررسی دیدگاه قرآن درباره مفهوم آزادی پرداخت.

مفهوم آزادی در قرآن

مفهوم آزادی از جمله مباحث بسیار مهم و مطرح در بحث آزادی است. تاکنون برداشت‌های متعددی از آزادی صورت گرفته است. این واژه از جمله واژگانی است که اندیشمندان و نظریه پردازان تعابیر و برداشت‌های مختلفی از آن ارائه داده‌اند. هر چند که این تعابیر مختلف است، از طرفی دارای مفهوم واحد و مشترکی هستند. این مفهوم واحد مشترک، بر اساس تحلیل مفهومی آزادی و تحلیل عناصر و



مؤلفه‌های آن به دست می‌آید.

براین اساس، اگر بخواهیم چنین تحلیلی را از آزادی ارائه کنیم، به مؤلفه‌ها و عناصر تشکیل‌دهنده آن می‌رسیم که عبارتند از:

۱. فاعل: مراد از این مؤلفه شخصی است که متصف به وجدان یا فقدان وصف آزادی است. در پاسخ به پرسش «آزادی چه کسی؟» عنصر «فاعل» مطرح می‌شود.

۲. مانع: مراد از این مؤلفه، شخص، اشخاص یا اشیایی است که مانع برخورداری فرد دیگری از آزادی می‌شوند. پرسشی که در این جا مطرح می‌شود این است که «آزادی از چه چیز و یا چه کسی؟». در پاسخ به این پرسش، مؤلفه دوم (مانع) مطرح می‌گردد.

۳. هدف: مراد از این مؤلفه، قصد و غرضی است که فرد برای انجام آن نیازمند برخورداری از آزادی است و یا حقوقی است که برخورداری از آنها، هدف اساسی فرد است. در این جا این مؤلفه در پاسخ به این پرسش مطرح می‌شود که «آزادی برای چه؟».

همان طوری که ملاحظه می‌شود، مفهوم آزادی دارای سه مؤلفه فاعل، مانع و هدف است و بر این اساس، می‌توان آزادی را این گونه تعریف کرد:

آزادی فرد یا افرادی از قید فرد یا افراد دیگر برای انجام دادن رفتاری خاص و یا برخورداری از حقوق اساسی خود.^۱

با توجه به آنچه گذشت، پرسش اصلی مقاله حاضر این است: مفهوم آزادی در قرآن چیست؟ این پرسش را می‌توان با تعبیر دیگری طرح کرد: آیا بر اساس آیات قرآن، می‌توان مفهومی واحد برای آزادی استنتاج و استخراج کرد؟ مؤلفه‌ها و عناصر اساسی آزادی در قرآن چیست؟ چگونه می‌توان تحلیل مفهومی از آزادی ارائه کرد؟

به نظر می‌رسد بتوان براساس مدل و الگوی مذکور به تحلیل مفهوم آزادی پرداخت و عناصر و مؤلفه‌های آن را بیان کرد. در این راستا، در صدد تبیین دیدگاه قرآن درباره فاعل، مانع و هدف آزادی به عنوان سه مؤلفه اساسی آزادی هستیم؛ بنابراین به دنبال آزمون امکان یا عدم امکان به کارگیری این مدل نظری در آیات قرآن هستیم و در صورت امکان، دیدگاه ویژه قرآن را درباره نوع خاص هر یک از این مؤلفه‌ها جست و جو خواهیم کرد.

مؤلفه اول، فاعل آزادی

همان طوری که اشاره شد، مراد از «فاعل» شخصی است که متصف به وجدان یا فقدان وصف آزادی می‌شود که می‌توان آن را این گونه تعبیر کرد:

«الف آزاد است یا آزاد نیست». در این عبارت، الف مؤلفه اول آزادی محسوب می‌شود. حال در



این بخش، با توجه به آیات قرآن، به دنبال توصیف ویژگی‌هایی هستیم که برای انسان به عنوان فاعل آزادی بیان شده است؛ از این رو لازم است دیدگاه قرآن درباره انسان و ویژگی‌های آن بیان گردد. با مراجعه به آیات قرآن، انسان‌شناسی قرآن آشکار می‌شود. انسان از دیدگاه قرآن دارای ویژگی‌های متعددی است که مهم‌ترین آنها - که به نوعی در ارتباط با آزادی انسان است - عبارتند از:

۱. انسان خلیفه و جانشین خداوند در روی زمین است

در آیه سی‌ام سوره بقره می‌خوانیم:

و إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلٰئِكَةِ اِنِّيْ جَاعِلٌ فِى الْاَرْضِ خَلِيْفَةً قَالُوْا اَتَجْعَلُ فِيْهَا مَنْ يَفْسِدُ فِيْهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَآءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ قَالَ اِنِّيْ اَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُوْنَ: (به خاطر بیاور) هنگامی را که پروردگارت به فرشتگان گفت: من در روی زمین جانشینی قرار خواهم داد. (فرشتگان) گفتند: (پروردگارا) آیا کسی را در آن قرار می‌دهی که فساد و خونریزی کند؟ ما تسبیح و حمد تو را به جا می‌آوریم و تو را تقدیس می‌کنیم. پروردگار فرمود: من حقایقی را می‌دانم که شما نمی‌دانید.

در این آیه شریفه، انسان خلیفه خداوند در زمین معرفی شده است؛ هر چند که صرف خلافت از جانب خداوند، بر ارزش و جایگاه والای انسان در میان موجودات دلالت دارد، ذیل آیه نیز به گونه‌ای دیگر بر ارزش انسان تأکید می‌کند. خداوند در پاسخ به فرشتگان می‌فرماید: من حقایق و چیزهایی را درباره انسان می‌دانم که شما نمی‌دانید. در واقع این عبارت، بیانگر این است که انسان دارای ارزش والایی است که فرشتگان از آن بی‌خبر بودند. بنابراین انسان از دیدگاه قرآن دارای چنان مقام و ارزشی است که از وی به عنوان «خلیفه» خداوند یاد می‌شود. در نتیجه در آیاتی که خداوند انسان را آزاد معرفی می‌کند، چنین انسانی مورد نظر است. انسان آزاد از دیدگاه قرآن، انسانی است که دارای ویژگی خلیفه‌اللهی باشد.

۲. انسان فطرتی خدا آشنا دارد

از دیدگاه قرآن، انسان فطرتاً خداشناس و موحد است:

فَاَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّیْنِ حَنِیْفًا فِطْرَتَ اللّٰهِ الَّتِیْ فَطَرَ النَّاسَ عَلَیْهَا لَا تَبْدِیْلَ لِخَلْقِ اللّٰهِ ذٰلِكَ الدِّیْنُ الْقَیْمُ وَ لٰكِنْ اَكْثَرُ النَّاسِ لَا یَعْلَمُوْنَ: ۲ پس روی خود را متوجه آیین خالص پروردگار کن. این فطرتی است که خداوند، انسان‌ها را بر آن آفریده؛ دگرگونی در آفرینش الهی نیست؛ این است آیین استوار، ولی بیشتر مردم نمی‌دانند.

براساس این آیه - همان‌گونه که ملاحظه می‌شود - انسان فطرتاً متوجه دین خالص و راستین

الهی است و از این رو ویژگی دیگر انسان از نگاه قرآن، خدا آشنا بودن فطری او است. در نتیجه با ضمیمه این آیه به آیات دیگری که آزادی را برای انسان به رسمیت می‌شناسد - که به برخی از آنها در بخش اول اشاره شد - می‌توان به این نتیجه‌گیری دست یازید که انسان فطرتاً با دین راستین الهی آشناست و اگر این دین آزادی را برای انسان به رسمیت شناخته، فطرتاً با آزادی مزبور نیز به عنوان یکی از آموزه‌های دین آشناست و در صورتی که موانع برداشته شود، انسان‌ها به آزادی به عنوان ارزش اساسی انسان واقف گردیده و ارزش آن را درک خواهند کرد. به همین جهت یکی از رسالت‌های اساسی پیامبران رها ساختن انسان‌ها از موانع مختلفی است که ممکن است مانع شناخت آزادی و بهره‌برداری از آن گردد.

۳. انسان شخصیتی مستقل و آزاد دارد

از نظر قرآن انسان موجودی است که در انتخاب راه پس از هدایت، آزاد است. در آیه سوم سوره انسان پس از آن که انسان را شنوا و بینا معرفی می‌کند، می‌فرماید:

إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِنَّا شَاكِرٌ وَإِنَّا كَفُورٌ؛ ما راه را به او نشان دادیم، خواه شاکر باشد (و پذیرا گردد) یا ناسپاس.

بر اساس این آیه شریفه، انسان در انتخاب راه آزاد است و می‌توان آن را بپذیرد و یا رد کند؛ بنابراین یکی دیگر از ویژگی‌های انسان، آزاد بودن اوست.

۴. انسان موجودی است مختار و خود می‌تواند سرنوشت خویش را تغییر دهد

از دیدگاه قرآن، انسان به گونه‌ای آفریده شده که می‌تواند سرنوشت خودش را تغییر دهد. از این رو سنت الهی بر این قرار گرفته تا زمانی که انسان‌ها در یک جامعه به دنبال تغییر وضعیت زندگی خود نباشند، خداوند نیز تغییری در زندگی آنها ایجاد نکند:

إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يَغَيِّرُوا مَا بِأَنفُسِهِمْ؛^۳ خداوند سرنوشت هیچ قوم (وملتی) را تغییر نمی‌دهد، مگر آن که آنان آنچه را در خودشان است تغییر دهند.

بر اساس این آیه شریفه، اگر انسان‌ها موانع درونی رشد و پیشرفت خود را از بین ببرند و اراده تغییر در سرنوشت خویش را پیدا کنند، خداوند نیز تغییرات لازم را در زندگی و سرنوشت آنان انجام خواهد داد. دقت در مفهوم این آیه، روشن می‌سازد که انسان از اراده و اختیار لازم برای تغییر زندگی و سرنوشت خود برخوردار است. انسان به گونه‌ای آفریده شده است که توانایی چنین تغییری را دارد، در غیر این صورت «حتی یغیروا ما بأنفسهم» معنا و مفهومی نخواهد داشت.

از دیدگاه قرآن، انسان موجودی است با اراده و مختار، و توانایی تغییر وضعیت خود را دارا می‌باشد.



این ویژگی یا آزادی انسان ارتباط وثیقی دارد. آزادی انسان در صورتی مفهوم دارد که وی بتواند آزادانه سرنوشت و زندگی خود را تغییر دهد. بدین ترتیب پایه و مبنای دیگری برای آزادی انسان در این آیه شریفه مهتاً می‌گردد.

۵. انسان از خوبی و بدی شناخت فطری دارد

از نظر قرآن، انسان فطرتاً خوبی و بدی را می‌شناسد و می‌تواند این دورا از یکدیگر باز شناسد. انسان دارای چنان توانایی است که می‌تواند با تأمل در اعمال و رفتارها و امور زندگی، اعمال و رفتار و امور نیک را از نادرست تشخیص دهد. خداوند در آیه هشتم سوره شمس پس از سوگند به خورشید و ماه، روز و شب، آسمان و زمین، به جان آدمی سوگند یاد کرده، می‌فرماید: «فألهما فجورها و تقویها؛ پس فجور و تقوا (شر و خیر) را به او (انسان) الهام کرده است».

براساس این آیه، شناخت خیر و شر به انسان الهام شده است و انسان فطرتاً می‌تواند این دورا تشخیص دهد. بنابراین یکی از ویژگی‌های انسان، امکان شناخت فطری او از خوبی و بدی است و این شناخت فطری پایه و مبنای دیگری برای آزادی انسان را فراهم می‌سازد. انسان به دلیل چنین شناختی، در انتخاب هر یک از خوبی و بدی آزاد است. از دیدگاه اسلام انسان به این دلیل آزاد دانسته شده که می‌تواند خود خوبی و بدی را درک کند و بر اساس این درک، مسیر درست را انتخاب نماید.

بنابراین آزادی انسان بر مبنای فطرت و شناخت فطری وی نیز اثبات می‌شود و به گفته استاد مطهری، «اختیار و آزادی جز با قبول آنچه در اسلام به نام فطرت نامیده می‌شود و قبل از اجتماع در متن خلقت به انسان داده شده است، معنا پیدا نمی‌کند».^۴

همچنین علاوه بر امکان شناخت فطری از خوبی و بدی، انسان موجودی است عاقل و با برخوردار از عقل می‌تواند خیر و شر را تشخیص دهد. عقل از دیدگاه اسلام جایگاه بسیار بالایی داشته و در مقایسه با دیگر قوای بدن از ارزش والاتری برخوردار است. از نظر اسلام شناختی که بر اساس عقل به دست آید، شناخت حقیقی است و به گفته امام علی علیه السلام، هیچ‌گاه به انسان خیانت نمی‌کند:

هرگز اندیشه خردمندانه را نمی‌توان با دیدن چشم و شناخت حسی برابر دانست، چه بسا که چشم‌ها به صاحب خود دروغ بگویند؛ اما آن که از عقل راه بجوید، عقل به او خیانت نخواهد کرد.^۵

بنابراین می‌توان گفت وجود عقل در آدمی، از وی موجودی انتخابگر می‌سازد و این امکان را برای انسان فراهم می‌سازد که در زندگی خود تأثیر گذار باشد و بدین سان پایه و مبنای دیگری در وجود آدمی برای آزادی فراهم می‌شود و می‌توان بر اساس عقل، آزادی انسان را استنتاج کرد. به گفته استاد

مطهری «بشر مختار و آزاد آفریده شده است، یعنی به او عقل و فکر و اراده داده شده است».^۶ با توجه به آنچه به اختصار گذشت، می‌توان ویژگی‌های انسان را از دیدگاه قرآن در یک جمع‌بندی این‌گونه خلاصه کرد: انسان خلیفه و جانشین خداوند در روی زمین بوده، فطرتی خدا آشنا، شخصیتی مستقل و آزاد داشته، موجودی مختار و با اراده و قادر به تغییر سرنوشت خود بوده، از خوبی و بدی شناخت فطری داشته و از عقل برخوردار است. این ویژگی‌ها پایه و مبنای مستحکمی برای آزادی انسان فراهم می‌سازد و بدین ترتیب، روشن می‌شود که مؤلفه اول آزادی (فاعل) از نظر قرآن دارای چه ویژگی‌هایی است.

مؤلفه دوم، مانع آزادی

مؤلفه دوم آزادی، «مانع» آزادی است. بر اساس تحلیل مفهومی که ذکر شد، فرد در صورتی آزاد تلقی می‌گردد که موانعی در برابر او نباشد. بررسی که در این جا مطرح می‌شود این است که از دیدگاه قرآن کریم، فرد از دخالت چه موانعی باید رها باشد تا آزادی صدق کند؟ برای پاسخ به این پرسش نیز مراجعه به آیات قرآن رهگشاست؛ با مراجعه به آیات قرآن می‌توان موانع آزادی انسان را از دیدگاه قرآن به طور مختصر و کلی این‌گونه فهرست کرد:

۱. انسان‌های دیگر

قرآن هرگونه سلطه انسان‌ها بر یکدیگر، نفی و انکار کرده است. بر اساس برخی از آیات قرآن سلطه افراد که از آن به «ارباب بودن» تعبیر شده، ممنوع شده است. در آیه ۶۴ سوره آل عمران می‌خوانیم:

قل یا أهل الكتاب تعالوا إلى كلمة سواء بيننا وبينكم إلا نعبد إلا الله ولا نشرك به شيئاً و لاتتخذ بعضنا بعضاً أرباباً من دون الله فإن تولوا فقولوا اشهدوا بانا مسلمون؛ بگو ای اهل کتاب، بیایید بر سر سخنی که بین ما و شما یکسان است بایستیم، که جز خداوند را نپرستیم و برای او هیچ‌گونه شریکی نیابوریم و هیچ‌کس از ما دیگری را به جای خداوند به خدایی برنگیرد و اگر رویگردان شدند، بگویید شاهد باشید که ما فرمانبرداریم.

در این آیه شریفه، انسان‌های دیگر مانع آزادی انسان‌ها شناخته شده‌اند و این مانع نفی گردیده است. براساس این آیه، هیچ‌کس حق ندارد خود را ارباب دیگران قرار داده و بر دیگری سلطه‌ای روا دارد و از سوی دیگر نیز هیچ‌کس حق ندارد دیگران را ارباب خود قرار داده و سلطه دیگران را پذیرا گردد. در این آیه، اتخاذ ارباب، در ردیف شرک به خدا قلمداد شده که اهمیت والای این مسأله را بیان می‌کند. بر این اساس، ایجاد سلطه بر دیگران، شرک به خدا تلقی گردیده، همان طوری که اتخاذ سلطه و پذیرش آن نیز در حکم شرک به خداست.



در نظر گرفتن «انسان‌های دیگر» به عنوان مانع آزادی فرد، باعث شکل‌گیری نوعی آزادی می‌شود که از آن به «آزادی اجتماعی» تعبیر می‌شود. آزادی اجتماعی، آزادی انسان از ناحیهٔ دیگران است و به گفته استاد مطهری، آزادی اجتماعی «یعنی بشر باید در اجتماع از ناحیهٔ سایر افراد اجتماع آزادی داشته باشد، دیگران مانعی در راه رشد و تکامل او نباشند، او را محبوس نکنند، به حالت یک زندانی در نیاورند که جلو فعالیتش گرفته شود، دیگران او را استثمار نکنند، استخدام نکنند، استعباد نکنند، یعنی تمام قوای فکری و جسمی او را در جهت منافع خودشان به کار نگیرند».^۷

البته روشن است که اگر این مانع (انسان‌های دیگر) را به «حاکمان و دولت» تعمیم دهیم، در آن صورت می‌توان از این آزادی به «آزادی سیاسی» به مفهوم خاص آن تعبیر کرد. بر اساس این تعمیم، سلطه و ارباب بودن حاکمان و دولت‌ها بر افراد و شهروندان رد شده است و هیچ حاکمی حق ندارد خود را ارباب مردم تلقی کند. در این صورت می‌توان گفت فرد در صورتی آزاد است که از دخالت و سلطه انسان‌های دیگر و حاکمان رها و آزاد باشد.

۲. امیال و هواهای نفسانی

یکی دیگر از موانع آزادی انسان، امیال و هواهای نفسانی انسانی است. از دیدگاه قرآن، انسان آزاد، انسانی است که اسیر امیال و هواهای نفسانی خود نباشد. انسان در صورتی می‌تواند به آزادی نایل آید که امیال و هواهای نفسانی‌اش بر وی تسلطی نیابد. قرآن کریم کفار را گرفتار و سرگرم امیال و آرزوها معرفی می‌کند و از پیامبر ﷺ در خواست می‌کند که آنها را به همین حالت رها کند:

ذُرِّهٖمْ يَآكُلُوۡا وَيَتَمَتَّعُوۡا وَيُلْهَمُهُمُ ٱلۡاَمۡلَ ۙ فَسَوۡفَ يَعۡلَمُوۡنَ^۸؛ رهایشان کن تا بخورند و بهره‌مند شوند و آرزوها سرگرم‌شان بدارند، به زودی خواهند دانست.

دقت در مفهوم این آیه و قرار دادن آن در کنار آیهٔ ۱۵۷ سوره اعراف^۹ - که در بخش اول مقاله توضیح آن گذشت - بیانگر این حقیقت است که گرفتار شدن در آمال و آرزوها، یکی از موانع اساسی آزادی انسان تلقی می‌گردد. در آیه ۱۵۷ سوره اعراف رسالت پیامبران رهایی انسان‌ها از غُل و زنجیر و موانع آزادی معرفی شده است، در حالی که در آیه فوق، از پیامبر خواسته شده که کفار را که سرگرم و گرفتار آمال و آرزوهای خود هستند رها کند و به حال خود واگذارد. از این رو روشن می‌شود که گرفتار شدن در امیال و آرزوها، از دیدگاه قرآن، مانع مهمی فرا روی آزادی انسان و گام نهادن به وادی ایمان و آزادی حقیقی است.

در آیه دیگری، قرآن کریم پیروی از هوا و هوس را باعث خروج از عدل، داد و حق معرفی کرده و از مؤمنان می‌خواهد که از آن پیروی نکنند:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِٱلۡقِسۡطِ شُهَدَآءَ ۗ لَئِىۡ لَٰكُمۡ ءَآلَٰهُمۡ ۖ وَ لَوۡ عَلَىٰٓ أَنفُسِكُمۡ أَوِ ٱلۡوَالِدِينَ وَ ٱلۡأَقۡرَبِينَ ۚ إِنَّ يَكُن

غنياً او فقيراً فالله اولیٰ بهما فلا تتبعوا الهویٰ ان تعدلوا...^{۱۰} ای مؤمنان، به عدل و داد برخوردید و در راه رضای خدا شاهد باشید، اگر چه به زیان خودتان یا پدر و مادر و خویشاوندانتان باشد و اگر چه توانگر یا تهی دست باشد. خداوند بر آنان مهربان تر است، پس از هوای نفس پیروی نکنید که از حق عدول کنید....

بنابراین با توجه به این آیات، می توان امیال و هوا و هوس را از موانع آزادی مورد نظر قرآن دانست. این آزادی از هوا و هوس، در کلام برخی از نویسندگان به «آزادی معنوی» تعبیر شده و تفاوت آن با آزادی اجتماعی این گونه بیان شده است:

آزادی معنوی برخلاف آزادی اجتماعی، آزادی انسان، خودش از خودش است. آزادی اجتماعی، آزادی انسان است از قید و اسارت افراد دیگر، ولی آزادی معنوی نوع خاصی از آزادی است و در واقع آزادی انسان است از قید و اسارت خودش.^{۱۱}

۳. طبیعت

یکی دیگر از عناصری که می تواند مانعی در برابر انسان باشد، عنصر طبیعت و هستی است که از دیدگاه قرآن کریم این مانع نیز از جلو انسان برداشته شده است. انسان مقهور طبیعت نیست؛ توانایی ها و ظرفیت هایی مانند عقل که در انسان است از وی موجودی ساخته که می تواند در هستی تصرف کرده و خود را از بند آن برهاند. آیات متعددی در قرآن کریم وجود دارد که هستی و موجودات آن را مسخر انسان دانسته است،^{۱۲} از آن جمله است:

و سخر لکم ما فی السموات و ما فی الارض جمیعاً منه ان فی ذلك لآیات لقوم یتفکرون؛^{۱۳} او آنچه در آسمان ها و آنچه در زمین است، همه را از سوی خودش مسخر شما ساخته، در این نشانه های (مهمی) است برای کسانی که اندیشه می کنند.

همان طوری که ملاحظه می شود، در این آیه همه آنچه در آسمان ها و زمین است، مسخر انسان دانسته شده است. براین اساس انسان در برابر طبیعت و آنچه در آسمان ها و زمین است، آزاد بوده و مقهور و مجبور آن خلق نشده است. در واقع این قسم از آزادی، دلالتی بر توان شناخت انسان دارد که به تدریج از هستی و اشیا و موجودات آن پیدا کرده و به تدریج با افزایش تجربه و علم او، قدرت و تسلطش بر طبیعت بیشتر شده و از آن رهایی یافته است.

توجه به این مؤلفه (طبیعت) در مفهوم آزادی، باعث شکل گیری تحولی در مفهوم آزادی شده و به گفته برخی از نویسندگان غربی، رکن شناختی آزادی تحقق می یابد. فرانتس نویمان بر این باور است که رکن شناختی آزادی در پرتو پیشرفت علوم طبیعی محقق شده است که بر اساس آن فهم طبیعت بیرونی، انسان را از قید ترس آزاد و رها ساخته است. از نظر وی، در اندیشه سیاسی غرب «ازویکو و



منتسکیو، جاده به هگل و مارکس می‌رسد که هر دو، این ضابطه اپیکوری - اسپینوزایی را قبول داشته که آزادی چیزی جز کسب بینش نسبت به ضرورت نیست و کسی که بفهمد چه روی می‌دهد و چرا روی می‌دهد، به یمن این فهم، آزاد می‌شود.^{۱۴}

بنابراین می‌توان گفت این رکن آزادی، با کسب بینش و درک از طبیعت بیرونی حاصل می‌شود که خود آزادی، با این بینش و درک، قدرت تسلط بر طبیعت را به دست می‌آورد.

با توجه به آنچه گذشت، روشن شد که مهم‌ترین موانع آزادی انسان از دیدگاه قرآن، انسان‌های دیگر، امیال و هواهای نفسانی و طبیعت هستند و این که انسان در صورتی آزاد است که بتواند از سلطهٔ اینها آزاد و رها گردد. در چنین صورتی، مؤلفهٔ دوم آزادی نیز تحقق می‌یابد.

مؤلفه سوم، هدف آزادی

مؤلفه سوم آزادی، بیانگر هدفی است که برای رسیدن به آن، انسان به عنوان مؤلفهٔ اول، از دخالت موانع به عنوان مؤلفه دوم، آزاد و رهاست. در این جا نیز لازم است با مراجعه به قرآن کریم، اهداف آزادی انسان را بیان کنیم. با توجه به آیات قرآن کریم - که برخی از آنها ذکر شد - می‌توان مهم‌ترین اهداف آزادی را با توجه به نوع مؤلفه دوم (مانع) بیان کرد:

۱. توحید و خدا باوری

یکی از مهم‌ترین اهداف آزادی انسان از دیدگاه قرآن، دوری از شرک و پذیرش اصل توحید است. این هدف از آزادی در رابطه با اولین مانع آزادی ذکر شده در این مقاله (انسان‌های دیگر) شکل می‌گیرد. اگر متغیر «انسان‌های دیگر» را مانع آزادی محسوب کنیم. در این صورت مطابق دیدگاه قرآن، اتخاذ ارباب و پذیرش سلطهٔ دیگران با اصل توحید ناسازگار بوده و انسان را به شرک مبتلا می‌گرداند. همان طوری که گذشت در آیه ۶۵ سوره آل عمران خداوند از پیامبر می‌خواهد که اهل کتاب را به عبادت خدا و پرهیز از شرک و اتخاذ انسان‌های دیگر به عنوان ارباب دعوت کند؛ از این رو اتخاذ ارباب و پذیرش سلطهٔ دیگران موجب ابتلای به شرک، و آزادی از این سلطه و عدم اتخاذ ارباب، انسان را موحد واقعی می‌گرداند. براین اساس، شرط واقعی موحد بودن، عدم پذیرش سلطهٔ دیگران است؛ بنابراین جامعهٔ سیاسی توحیدی نیز جامعه‌ای است که در آن، حاکمان به سلطه بر شهروندان ننیدیشند و آنها را برده و بنده خود نسازند. از آن جا که اصل توحید در اندیشه و تفکر اسلامی از جایگاه بسیار والایی برخوردار است، آزادی از سلطه دیگران نیز از ارزش و جایگاه بالایی برخوردار می‌گردد.

۲. عدالت

از دیدگاه قرآن یکی از اهداف آزادی انسان، عدالت است. این هدف با توجه به مانع دوم ذکر شده در این مقاله (امیال و هواهای نفسانی) شکل می‌گیرد؛ به عبارت دیگر، آزادی انسان از امیال و هواهای نفسانی، انسان را به مقام و جایگاه عدالت نزدیک می‌سازد، همان طوری که پیش‌تر گذشت، خداوند در آیه ۱۳۵ سوره نساء، مؤمنان را از پیروی هوای نفس بر حذر داشته و هدف آن را قرار گرفتن انسان در مدار عدل دانسته است: «فَلَاتَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا...».

براین اساس، انسان عادل کسی است که از سیطره و سلطه امیال و هواهای نفسانی خود آزاد و رها باشد و رهایی از این امیال و هواهای نفسانی، انسان را مستحق وصف عدالت می‌گرداند؛ از این رو می‌توان گفت هدف اصلی آزادی معنوی، رشد و تکامل اخلاقی و معنوی انسان و رسیدن به عدالت است. آزادی انسان از قید و بند و اسارت خود، او را به کمال انسانی نزدیک ساخته، به انسان عادل که نمونه انسان کامل است، تبدیل می‌کند.

۳. شناخت و آگاهی

یکی دیگر از اهداف آزادی انسان از دیدگاه قرآن، کسب شناخت و آگاهی نسبت به هستی و امکان برخورداری از نعمت‌های الهی است. این هدف، با توجه به در نظر گرفتن «طبیعت» به عنوان مؤلفه دوم (مانع) شکل می‌گیرد. بر این اساس، آزادی انسان از طبیعت و رهایی او از سلطه آن، به منظور نیل به شناخت و آگاهی و قدرت تصرف در طبیعت است. دقت در آیاتی که طبیعت و موجودات و اشیای آن را مستخر انسان معرفی کرده، بیانگر این نکته است که هدف از این تسخیر، دست‌یابی به شناخت و آگاهی است که خود نیز به منظور کسب قدرت و توانایی تصرف در طبیعت در جهت بهره‌برداری از آنان است؛ همان طوری که در آیه سیزده سوره جاثیه به این مسأله اشاره شده است: «سَخَّر لَكُمْ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مِمَّا أَنْ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ».

در این آیه برای کسانی که اندیشه و تفکر می‌کنند، نشانه‌های مهمی در آسمان‌ها و زمین معرفی شده است. روشن است که این تفکر برای کسب شناخت و آگاهی است. در برخی دیگر از این نوع آیات می‌خوانیم:

و هو الذی سَخَّرَ الْبَحْرَ لَتَأْكُلُوا مِنْهُ لَحْمًا طَرِيًّا وَتَسْتَخْرِجُوا مِنْهُ حِلْيَةً تَلْبَسُونَهَا وَتَرَى الْفَلَكَ مَوَآخِرَ فِيهِ وَ لَتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ؛^{۱۵} او کسی است که دریا را مستخر (شما) ساخت تا از آن گوشت تازه بخورید و زیوری برای پوشیدن (مانند مروارید) از آن استخراج کنید و کشتی‌ها را می‌بینی که سینه دریا را می‌شکافند تا شما (به تجارت پردازید و) از فضل خدا بهره‌گیرید،

شاید شکر نعمت‌های او را به جا آورید.



توجه در این آیه، روشن می‌سازد که هدف تسخیر دریا در مرحله نخست، استفاده از نعمت‌های آن است، اما هدف اصلی کسب شناخت و آگاهی نسبت به این نعمت‌ها و در نتیجه شکر آنهاست. همچنین در آیه دیگری در این زمینه می‌خوانیم:

أَلَمْ تَرَوْا أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَّا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعْمَهُ ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً وَمِنَ النَّاسِ مَن يُجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَلَا هُدًى وَلَا كِتَابٍ مُّنِيرٍ؛^{۱۶} آیا ندیدید خداوند آنچه را در آسمان‌ها و زمین است مسخر شما کرده و نعمت‌های آشکار و پنهان خود را به طور فراوان بر شما ارزانی داشته است؟ ولی بعضی از مردم بدون هیچ دانش و هدایت و کتاب روشنگری، درباره خدا مجادله می‌کنند.

در این آیه پس از آن که هدف از مسخر ساختن آسمان‌ها و زمین و آنچه در آنهاست را بهره‌برداری از نعمت‌ها دانسته است، علت طغیان انسان‌ها را در برابر خداوند، ناآگاهی آنان می‌داند؛ بنابراین می‌توان گفت هدف اصلی آزادی شناختی، کسب شناخت و آگاهی است.

با توجه به آنچه گذشت، می‌توان به این جمع بندی اشاره کرد که مهم‌ترین هدف آزادی انسان از دیدگاه قرآن، عبارت‌است از «رشد و تکامل انسان». این رشد و تکامل می‌تواند ابعاد مختلفی داشته باشد که با توجه به آیاتی که ذکر رشد، می‌توان به سه بُعد و جنبه مهم آن اشاره کرد: رشد و تکامل عقیدتی که در پرتو باور به توحید و در نتیجه آزادی از سلطه دیگران حاصل می‌شود، رشد و تکامل اخلاقی که در پرتو عدالت و در نتیجه آزادی از امیان و هواهای نفسانی (آزادی معنوی) به بار می‌آید و رشد و تکامل علمی و معرفتی که در پرتو شناخت و آگاهی نسبت به آزادی از طبیعت به وجود می‌آید. البته روشن است که رشد و تکامل انسان منحصر به این سه جنبه نبوده، هر یک از این جنبه‌ها نیز می‌تواند زیر مجموعه‌هایی داشته باشد.

جمع بندی و نتیجه‌گیری

آنچه گذشت کوششی برای دستیابی به مفهوم آزادی در قرآن بود. همان طوری که در مقدمه گذشت، برای رسیدن به این هدف، از رهیافت درون دینی بهره برده، تلاش کردیم براساس این رهیافت به دو پرسش اصلی مقاله پاسخ دهیم. روشن شد که اولاً، طرح مفهوم آزادی در قرآن با توجه به برخی از آیات امکان‌پذیر است؛ ثانیاً، می‌توان با بهره‌گیری از یک مدل نظری خاص به تحلیل مفهوم آزادی از دیدگاه قرآن پرداخت. همان طوری که اشاره شد، هدف از این پژوهش مختصر، نه تبیین مصادیق و اقسام آزادی در قرآن، بلکه تبیین مفهوم آن و نیز بهره‌گیری از مدل نظری برای مطالعه منظم و روشمند و در نتیجه فهم بهتر مفهوم آزادی از دیدگاه قرآن بود.

در این راستا ابتدا به طور مختصر جایگاه آزادی در قرآن را بررسی کرده، سپس تلاش کردیم با

استفاده از مدل نظری خاصی که مفهوم آزادی را به سه مؤلفه فاعل، مانع و هدف تحلیل می‌کرد، به تحلیل مفهوم آزادی در قرآن بپردازیم. مباحث گذشته نشان داد که از دیدگاه قرآن، «انسان» با توجه به ویژگی‌های خاصی که گذشت، فاعل آزادی است، «انسان‌های دیگر»، «امیال و هواهای نفسانی» و «طبیعت» مهم‌ترین موانع آزادی و «توحید و خداباوری»، «عدالت» و «شناخت و آگاهی» و در یک کلمه «رشد و تکامل انسان» بهترین اهداف آزادی است.

نمودار زیر بیانگر چکیده و نتیجه مقاله است:



در نتیجه می‌توان به این تعریف آزادی از دیدگاه قرآن اشاره کرد که: «انسان» از «انسان‌های دیگر»، «امیال و هواهای نفسانی» و «طبیعت» برای رسیدن به «رشد و تکامل» (توحید و خداباوری، عدالت و شناخت و آگاهی) آزاد و رهاست.

اقسام و مصادیق به دست آمده از این تحلیل مفهومی عبارتند از: آزادی اجتماعی - سیاسی، آزادی معنوی و آزادی شناختی. روشن است که این اقسام، اقسام انحصاری آزادی در قرآن نیست، هر یک از این سه می‌تواند خود مصادیق و اقسامی را شامل شود.

در نهایت اگر بخواهیم یک نتیجه‌گیری تجویزی نیز از این پژوهش براساس دیدگاه قرآن، ارائه دهیم می‌توان گفت:

از دیدگاه قرآن، انسان برای رسیدن به رشد و تکامل باید از دخالت و سلطه انسان‌های دیگر، امیال و هواهای نفسانی و طبیعت آزاد و رها باشد. انسان واقعی و آرمانی از دیدگاه قرآن انسانی است که دارای چنین وصف آزادی است.

بدین ترتیب آنچه از این پژوهش مختصر به دست می‌آید، مفهوم آزادی در دو وجه توصیفی و تجویزی آن است و از این رو تبیین اقسام و مصادیق آزادی و تفاوت آنها فرصت و مجال دیگری می‌طلبد.



پی‌نوشت‌ها

۱. این تعریف و تحلیل مفهومی مبتنی بر دیدگاهی است که یکی از نویسندگان غربی به نام مک‌کالوم (Mac Callum) طرح و بسط داده است. وی بر این باور است که مفهوم (Concept) آزادی واحد و برداشت‌های (Conceptions) از آن متعدد است. از نظر وی این برداشت‌ها بر اساس تأکید بر مؤلفه‌های سه‌گانه و یا برخی از آنها شکل می‌گیرد.
 برای مطالعه بیشتر در این باره ر.ک:

Tim Gray (1991), *Freedom , Humanities, Press.*
 International INC. Atlantic Highland, NJ. p.p. 19-83.

همچنین: منصور میراحمدی، آزادی در فلسفه سیاسی اسلام (پژوهشکده اندیشه سیاسی اسلام، مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی - در دست چاپ).

۲. روم (۳۰) آیه ۳۰.
۳. رعد (۱۲) آیه ۱۱.
۴. مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج ۳، ص ۴۲۰.
۵. عبدالمجید معادیخواه، فرهنگ آفتاب (تهران: نشر دژه، ۱۳۷۳)، حرف ع.
۶. مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج ۱، ص ۳۸۵.
۷. مرتضی مطهری، گفتارهای معنوی، ص ۱۴.
۸. حجر (۱۵) آیه ۳.
۹. «الذین يتبعون الرسول النبي الأمي الذي يجدهم مكتوباً عندهم في التوراة و الإنجيل يأمرهم بالمعروف و ينههم عن المنكر و يحل لهم الطيبات و يحرم عليهم الخبائث و يضع عنهم إصرهم و الأغلال التي كانت عليهم...».
۱۰. نساء (۴) آیه ۱۳۵.
۱۱. مرتضی مطهری، گفتارهای معنوی، ص ۳۲.
۱۲. از جمله آیات: رعد (۱۳) آیه ۲، ابراهیم (۱۴) آیه ۳۲ و ۳۳، نحل (۱۶) آیه ۱۲ و ۱۴، حج (۲۲) آیه ۶۵ عنکبوت (۲۹) آیه ۶۱ لقمان (۳۱) آیه ۲۰ و ۲۹، فاطر (۳۵) آیه ۱۳، زمر (۳۹) آیه ۵، زخرف (۴۳) آیه ۱۳.
۱۳. جاثیه (۴۵) آیه ۱۳.
۱۴. قرانتس نویمان، آزادی و قدرت و قانون، ترجمه عزت الله فولادوند (تهران: خوارزمی، ۱۳۷۳) ص ۱۰۲.
۱۵. نحل (۱۶) آیه ۱۴.
۱۶. لقمان (۳۱) آیه ۲۰.